

کیمپان

برنج بعد از گندم قوت غالب ایرانپاا است. کاشت و مصرف برنج در ایران قرن‌ها سابقه دارد و سیستم گوارش ایرانی‌ها به آن عادت دارد. در ایران بنابر شرایط اقلیمی استان‌ها، در ۱۴ استان برنج کاشت می‌شود و البته برنج‌های کاشته شده در هر منطقه ویژگی‌های خاص خود را دارند. اهالی هر منطقه به برنج بومی خود عادت دارند و مزاج آنها با نوع برنج محلی بیشترین سازگاری را دارد. مثلا یکی از این مناطقی که از قدیم برنج کاری بر آن رایج بوده استمنطقه کامفیروز استان فارس است. این منطقه به نام برنج مرغوبش شهرت پیدا کرده، برنجی که به دست کشاورزان هنرمند و پر تلاش این منطقه به عمل می‌آید و بسیار خوش عطر و طعم است و بنابر شرایط اقلیمی و آب منطقه دارای طبعی گرم می‌باشد که مردم استان فارس نیز بیشتر به نوع برنج عادت دارند. با لحاظ طب سنتی و اسلامی این قضیه بسیار مهم است که مردم هر منطقه از محصولات غذایی منطقه خود مصرف کنند و حتی مسافرن نیز بهتر است از غذای همان منطقه‌ای که به آن سفر کرده‌اند مصرف کنند.

بیمابر اکرم فرمود: هر گاه وارد شهری شدید از بیاز آن منطقه بخورید، زیرا با خوردن پياز آن شهر از امراض عمومی آنجا درامان هستيد.

پراکندگی مناطق کشت برنج غیر از این ویژگی، اهمیت دیگری دارد که در مواقع بحران و حوادث غیرمترقبه در یک منطقه و یا استان و از بین رفتن برنج آن منطقه باعث آسیب به تمام کشور نمی‌شود. اما متأسفانه چندی است که مسئولین به اشکال مختلف، به بهانه کمبود آب از کاشت برنج در مناطق مختلف ایران جلوگیری به عمل می‌آورند. آنها می گویند، برنج باید فقط در شمال کاشته شود! بعضی فکر می کنند که قصد بر این است که تمام برنج مورد نیاز کشور در مناطق شمال کشور به عمل آید، یعنی به همان اندازه که کشت برنج در استان‌های دیگر محدود می‌شود، به همان اندازه در شمال کشور زمین‌ها زیر کشت برنج می‌روند. اما متأسفانه قضیه این نیست و این امر اصلاً امکان‌پذیر نیست زیرا بنا به دلایلی ظرفیت کاشت برنج هر منطقه محدود است و نمی‌شود زمین‌های زیادی را زیر کشت برنج برد، به طور مثال اگر در یک منطقه بیش از اندازه زمین زیر کشت برنج برود اصلاً محصول نمی‌دهد. به عنوان یک نمونه استان گلستان که در سال گذشته به خاطر زیرکشت رفتن بیش از حد زمین‌ها با هدف برداشت برنج، با افت ۵۰ درصدی در مرحله برداشت مواجه شد.

شالیکاران ورکشسته، ویلاسازان برنده!

در بعضی قسمت‌های شمالی کشور، کشت برنج به جای اینکه بیشتر شود به خاطر عدم حمایت از شالیکاران کمتر نیز شده است و بعضی شالیزارها نیز به خاطر کوتاهی‌ها، تبدیل به ویلا شده و یا در آینده خواهند شد و برگشت‌پذیری شالیزارها به حالت قبل از ویلا شدن در این شرایط و تجربه مدیریت کشور از گذشته تا کنون بعید به نظر می‌رسد. یعنی در واقع مسئولین منت سر مردم گذاشته و اجازه داده‌اند که برنج در استان‌های گیلان و مازندران محدود نشود! اما در حقیقت با مدیریت ناشیاست برنج کاری در این مناطق و نیز با کمک دست‌های پنهان و آشکار «وارداتی» که تنها میزان کشت بیشتر نمی‌شود بلکه به سمت محدود شدن و حذف تدریجی حرکت می‌کنیم.

این خبر قابل مامل است که به خاطر سوء مدیریت و عدم حمایت از شالیکاران در شمال، کشاورزان برای تأمین مخارج خود مجبور به فروش زمین‌هایشان به دلالتن هستند. یکی از مشاورین املاک در استان‌های شمالی از ۵۰ هکتار زمین کشاورزی در انتظار فروش، فقط در شهر سرخ‌رود خبر داده است! **معیای کلزا و ذرت و شوی بی‌آبی!**

ظاهرا سیاست کسانی که مسئول ساماندهی و حفظ آب در کشور می‌باشند به این سمت می‌رود که در بعضی مناطق به جای کاشت محصولات می گندم و برنج به بهانه مصرف زیاد آب، محصولات دیگری مثل ذرت و کلزا کاشته شود و

چند سالی است که نظرات مختلفی در مورد

وضعیت فعلی و آینده کشور در حوزه جمعیت به‌گوش می‌رسد.از یک سو از سال ۱۳۹۰ بود که مقام معظم رهبری هشدارهای خود را پیرامون آینده پیر و خطرناک کشور عنوان کردند و سه سال بعد در اردیبهشت ۹۳ سیاست‌های کلی جمعیت توسط ایشان ابلاغ شد. حتی ایشان اخیرا در ابلاغیه سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه در بندهای ۲۰ و ۴۵ بر ضرورت فرهنگ‌سازی در حوزه جمعیت و تحقق سیاست‌های کلی آن تأکید نموده‌اند. از سوی دیگر عده‌ای نه تنها با دیدی خوشبینانه به جمعیت فعلی، کشور را در وضعیت عروسی جمعیتی می‌دانند بلکه با تأکید بر اینکه دلاویسان جمعیت نگاه‌های حزبی و سیاسی دارند از اینکه آینده جمعیت کشور خاکستری نشان

پیدا کند، انتقاد می‌کنند!

اما واقعیت چیست؟ می‌توان تحولات جمعیتی

۶۰ سال اخیر کشور را دو مرحله دانست:

الف، از سال ۱۳۳۰ تا سال ۱۳۸۱، نرخ باروری کشور با شیب زیاد از ۷ به ۲٫۱ کاهش پیدا کرده است. نرخ باروری ۲٫۱ از سطح جانشینی می‌نامند که در صورت حفظ آن هیچ گاه شاهد کاهش جمعیت کشور نخواهیم بود و با عبور از آن در آینده نزدیک شاهد رشد منفی جمعیت خواهیم بود. البته در سال‌های ابتدایی ۶۰، به میزان بسیار کم (۰٫۲ تا ۰٫۴) شاهد افزایش نرخ باروری هستیم اما از طرف دیگر در اواخر دهه ۶۰ و اوایل دهه ۷۰ شیب کاهش نرخ باروری

دوچندان می‌شود.

جالب است که در عراق نرخ باروری بالاتر از ۵، در افغانستان بالاتر از ۷، در غزه بالاتر از ۸ و در مناطق اشغالی فلسطیه بالاتر از ۳ گزارش می‌شود. هم چنین در کشورهایی نظیر فرانسه، انگلیس و آمریکا شاهد افزایش نرخ باروری به

برنج بعد از گندم

* به خاطر سوء مدیریت و عدم حمایت از شالیکاران در شمال ، کشاورزان برای تأمین مخارج خود مجبور به فروش زمین‌هایشان به دلالتن هستند. یکی از مشاورین املاک در استان های شمالی از ۵۰ هکتار زمین کشاورزی در انتظار فروش، فقط در شهر سرخ‌رود خبر داده است!

کلزا کاری و توسعه فضای سبز به جای کاشت برنج و گندم!

دائما با تبلیغ کشاورزان هم به این کار تشویق می‌شوند! پس از آن گویی اینکه برنامه اصلا رطبی به «آب» نداشته باشد و هدف تنها جایگزینی ذرت و کلزا و محصولات دیگر به جای گندم و برنج باشد ناباورانه مشاهده می‌شود که می‌گویند برای این که ذرت و… آب زیادی مصرف نکنند با اصلاح شیوه آبیاری، مغلل کم آبی را رفع و رجوع می‌کنیم! اما کسی به این سوال پاسخی نمی‌دهد که چرا همین شیوه‌های اصلاح مصرف آب، برای گندم و برنج استفاده نمی‌شود؟!

یکی از مسئولین استان فارس گفته است: کشت برنج به درد زاین و تایلند می‌خورد، نه ما! بعد با نهایت تعجب می‌بینیم که برنامه مسئولین شهرداری شیراز این است که این شهر را به عنوان «شهر سبز» به جهان معرفی کنند! و به خاطر اجرای این برنامه زمین‌های زیادی را به فضای سبز اختصاص داده‌اند، به طوری که درخت و چمن زیادی کاشته می‌شود و شهردار شیراز نیز از افزایش سی‌هزار هکتاری فضای سبز شیراز خبر می‌دهد! البته این میزان فضای سبز غیر از فضاهای سبزی است که قبلا در شیراز ایجاد شده است. برای این منظور آب زیادی لازم است که در سال ۸۹ غیر از چاه‌های دستی و چاهک‌ها، ۱۴ حلقه چاه عمیق هم توسط شهرداری حفر شده است!

توجه به این قضایا این سوالات را در ذهن ایجاد می‌کند که آیا فضاهای سبز که در بعضی مناطق اختصاصا پوشش «چمن» دارند نیست به مزاج برنج آب کمتری مصرف می‌کنند؟! آیا اهمیت فضای سبز از اهمیت کاشت برنج بیشتر است؟! اگر آب کم است چرا فقط برنج و گندم نباید کاشته شود و محصولات

* وزیر کشاورزی می‌گوید: سال‌های گذشته سطح زیر کشت برنج در استان گیلان حدود ۸۰ هزار هکتار بوده که سال گذشته این رقم به ۵۰ هزار هکتار و امسال به ۲۸ هزار هکتار رسید و به جای آن سویا و کلزا جایگزین شد!

پر مصرف‌آب دیگر مثل خیار و هندوانه و… کاشته می‌شوند؟! از نظر کارشناسان و اهل فن، کشت گندم مناسب‌ترین گزینه کشاورزی ایران به لحاظ زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی معرفی می‌شود در حالی که ظاهرا هم اکنون، سیاست

دولت به سمت کشت کلزا و ذرت تغییر کرده است. در بعضی مناطق دیگر نیز به جای برنج و گندم کاشت میوه‌هایی مثل هلو و سیب پیشنهاد شده است!! در حالی که در موقعیت بحران میوه ها نمی‌توانند جای محصولات استراتژیکی همچون برنج و گندم را گرفته و امنیت غذایی مردم را تأمین کنند. درست است که آب کم است و باید صرفه‌جویی و مدیریت

اجتماعیEjtemae @kayhan.ir

در مصرف صورت گیرد اما این چه مدیریتی است که در آن اهم‌فی‌الاهم جایی ندارد و واجب فدای مستحب می‌شود؟!

امنیت غذایی فدای وارداتیچان

پر واضح است که اگر کشت برنج و گندم و به طور کلی در کشور کم شود، آسیب بسیار زیادی به کشور وارد می‌شود و با سابقه‌ای که از خیانت‌های خارجی و سودجویی‌های برخی وارداتیچان داخلی وجود دارد، این امر می‌تواند به یک بحران در جامعه تبدیل شده و دستاویز خوبی برای آسیب زدن به کشور از سوی دشمنان قسم‌خورده ما شود.

تهدید مرزهای امنیت غذایی ایرانیان به بهانه کم آبی

تهدید مرزهای امنیت غذایی ایرانیان به بهانه کم آبی



دیر زمانی نیست که هنگام شروع جنگ و دفاع مقدس مشاهده کردیم تمام دشمنان همه اختلافات شان را کنار گذاشتند و با هم علیه ایران عزیز هم قسم شدند. پس سیاست کشور ما باید هوشمندانه و غیر منفعلانه و متفاوت از کشورهای دیگر باشد. دولت‌مردان ما براساس کدام اطمینان و خوشبینی تصمیم گرفته‌اند کلزا، ذرت و… به کشورهای دیگر صادر و برنج و گندم وارد کنند؟!

هیچ اعتمادی به این تصمیم نیست چون اعتمادی به دولت آمریکا و رژیم صهیونیستی و دیگر مستکبرین نیست! ما بارها چوب این اعتماد را خورده‌ایم و آزموده را آزمودن خطاست. اگر بنا به هر دلیلی نشود این اقلام را به کشورهای دیگر صادر و گندم و برنج به جای آنها وارد کرد پس یک راه می‌ماند که باید آنها را جایگزین گندم و برنج و قوت غالب مردم نمود. نتیجه اینکه شرایط بحرانی و بسیار بدی به وجود می‌آید چون مردم ما عادت به مصرف ذرت ندارند و کارشناسان اعتقاد دارند الگوی مصرف جامعه را نمی‌توان به این راحتی تغییر داد. البته کلزا نیز برای تولید روغن است و در درجه اهمیتی پایین‌تر از گندم و برنج قرار می‌گیرد.

در انتظار جنگ‌های بیوتروریسمی

مسئله مهم دیگر این است که ذرت در شرایط فعلی از بذره‌ای اصلاح شده خارجی به عمل می‌آید و واردات سالیانه بذر می‌تواند امکان مناسبی برای «خرابکاری بیوتروریسمی» بدون امکان ردیابی معمول در واردات اصل محصول، در اختیار دشمن قرار دهد. موضوعی که پیش از این در واردات گندم از آمریکا بارها رخ داد و مدیران امنیتی جامعه را به واسطه ضعف امکانات در وضعیت بفرنجی گرفتار کرد.

پس واضح است با توجه به این که گندم و برنج از ضروریات زندگی و قوت غالب مردم ایران هستند، بایستی کاشت این محصولات سال به سال، متناسب با رشد جمعیت افزایش پیدا کند.

عقلاّیت گمشده

مسئولین موفّند با نیاز سنجی صحیح در شرایط بحران مدیریت آب، به علت ضعف زیرساخت‌ها و شبکه فرسوده آبرسانی و تصمیم‌سازی‌های غلط سی سال اخیر، فرضا به جای گسترش فضای سبز، اولویت نخست را به حمایت از کشاورز و کشاورزی

* سعودی‌ها با خرید به موقع و با قیمت مناسب محصول کلزا، نقش مهمی در تغییر ذائقه شالیکاران شمال کشور داشته‌اند که سال هاست محصول برنج آنها به علت واردات بی‌رویه هنگام برداشت و فروش محصول بر زمین مانده و موجبات ضرردهی هنگفت‌شان را فراهم کرده و موجبات ضرردهی هنگفت‌شان را فراهم آورده است.

و منع واردات بی‌رویه و وابسته‌سازی کشور به خارج، اختصاص دهند. اگر فضای سبز در بعضی شهرها زیاد شود محیط زیست پاکیزه و شهر نیز زیبا می‌شود، اما برای پاکیزه و زیبا کردن محیط زیست می‌شود تدابیری دیگر سنجید و آب را به جای اینکه به میزان زیاد به فضای سبز اختصاص دهند به کشت برنج و گندم اختصاص دهند. شهر زیبا زمانی که مردم دچار دغدغه بی‌ثباتی قیمت و قطعی مواد غذایی و بحران واردات بی‌رویه باشند چه ارزشی دارد؟! این مهم است که درک کنیم با فضای سبز حداقلی می‌شود زندگی کرد اما بدون گندم و برنج امنیت غذایی جامعه به خطر خواهد افتاد.

به نظر می‌رسد قضیه کم‌آبی بهانه‌ای است برای تضعیف جدی کشاورزی و به وجود آوردن مشکلات بسیار بزرگ برای مردم ایران! انتظار می‌رود مسئولین دست پنهان دشمنان برای به وجود آوردن یک قطعی سازماندهی شده در ایران را ببینند و درک کنند که دشمن به دنبال راه‌های موثر واقع شدن تحریم‌های احتمالی آینده و پر کردن خلاهای تحریم‌های شکست‌خورده دور قبل است. این موضوع انکار ناپذیر است که هیچ تصویری بهتر از صف‌های طولانی گرسنگان خواهان نان و برنج، یک حاکمیت را تضعیف نخواهد کرد و حتی از پتانسیل سقوط قوی‌ترین نظام‌های مردمی در دنیا بر خوردار است. آیا خواست واقعی دشمن از تضعیف سیاست خودکفایی به دست برخی از مدیران ناآگاه و کارناבלد داخلی شکل دادن هر چه سریع‌تر به چنین سرنوشتی برای مردم ایران نیست؟

اگر مشکل کمبود آب واقعی است محصولات و مصارف غیرضروری دیگر را حذف و به جای آنها گندم و برنج بکاریم که اگر روزی مجبور شدیم چیزی وارد کنیم آن محصول برنج

* آیا فضاهای سبز که در بعضی مناطق اختصاصا پوشش «چمن» دارند نسبت به مزارع برنج آب کمتری مصرف می‌کنند؟! آیا اهمیت فضای سبز از اهمیت کاشت برنج بیشتر است؟! اگر آب کم است چرا فقط برنج و گندم نباید کاشته شود و محصولات پر مصرف‌آب دیگر مثل خیار و هندوانه و… کاشته می‌شوند؟!

و گندم که محصولاتی استراتژیک و مهم هستند، نباشد. **اعتراف به بحران**

چند روز پیش از این محمود حجتی طی سخنانی در یک گردهمایی گفت: سال‌های گذشته سطح زیرکشت برنج در استان گیلان حدود ۸۰ هزار هکتار بوده که سالل گذشته این رقم به ۵۰ هزار هکتار و امسال به ۲۸ هزار هکتار رسید و به جای آن سویا و کلزا جایگزین شد! وی بیان داشت: سطح زیرکشت برنج از ۲۸۵ هزار هکتار به ۱۲۰ هزار هکتار کاهش یافته و تأکید ما بر این است که تنها در مناطقی این محصول کشت شود که از لحاظ آب مشکل نداشته باشد.

در چنین شرایطی ماجرای سرمایه‌گذاری چند شرکت سعودی در حوزه روغن‌کشی از محصول کلزا و تلاش برای حذف رقبای خود روضه‌ای جانسوز است. سعودی‌ها با خرید به موقع و با قیمت مناسب محصول کلزا، نقش مهمی در تغییر ذائقه شالیکاران شمال کشور داشته‌اند که سال‌هاست محصول برنج آنها به علت واردات بی‌رویه هنگام برداشت و فروش محصول بر زمین مانده و موجبات ضرردهی هنگفت‌شان را فراهم آورده است. پس کلزاکاری به واسطه بی‌توجهی مدیران دولتی و مدیریت بازار خرید کلزا از کلزاکاران همزمان با ورشکستگی قریب به اتفاق برنج‌کاران داخلی، با فشار از داخل و خارج به جامعه ایران تحمیل شده است. آیا ایرانیان تا به این حد در حوزه سیاست‌ورزی و آینده‌نگری ضعیف شده‌اند که سعودی‌ها که در هیچ محصول کشاورزی خودکفا نیستند برای بازار غذایی آنها برنامه‌ریزی می‌کنند؟!

نه به نظم نوین صهیونیستی

کشور ما ام القرا و پناهگاه مسلمانان حقیقی و آزادگان و مظلومان جهان است و به گفته رهبر معظم انقلاب و ادعان نظریه‌پردازان خارجی به سمت تمدن نوین حرکت می‌کند. ما برای رهبری امت واحده احتیاج داریم که در بعضی اقدام ضروری خود کفا باشیم تا غیر از اینکه نیاز جامعه خود را بر طرف می‌کنیم، بتوانیم در مواقع پیشامدهای بحران احتمالی و احتیاج مظلومین جهان به ما، نیاز آنها را نیز به موقع و به اندازه کافی برطرف نماییم و دستمان جلوی دیگران دراز نباشد، تا از این قضیه سوء استفاده نشود. رهبری جهان و آماده شدن برای رزمه‌سازی ظهور حضرت مهدی– (عجل‌الله تعالی فرجه الشریف– ایجاب می‌کند که ما قوی باشیم! یکی از مظاهر قوی بودن این است که بتوانیم حداقل ضروریات جامعه خود را تولید کنیم!

این‌ها نشانه‌هایی از برنامه‌ریزی برای تقسیم‌بندی جهان تولیدکننده‌های حامی صهیونیست‌ها و مصرف‌کنندگان مسلمان است. مدیریتی که جهان را با نظم نوین صهیونیستی اداره می‌کند و براساس مولفه‌های تعیین شده آن بنا نیست ایران به عنوان ناقض نظم صهیونیستی– آمریکایی، از منظر غذا و نیازهای اولیه، خودکفا و حتی صادرکننده باشد. ما باید با توجه به جهت حرکت‌مان که درست جهت مخالف آنهاست هوشمندانه و زیرکانه عمل کنیم و خدای نکرده ناآگاهانه و یا آگاهانه توسط عده‌ای در دام دشمن نیفتیم.

فرزند یا بیشتر داشته باشد.

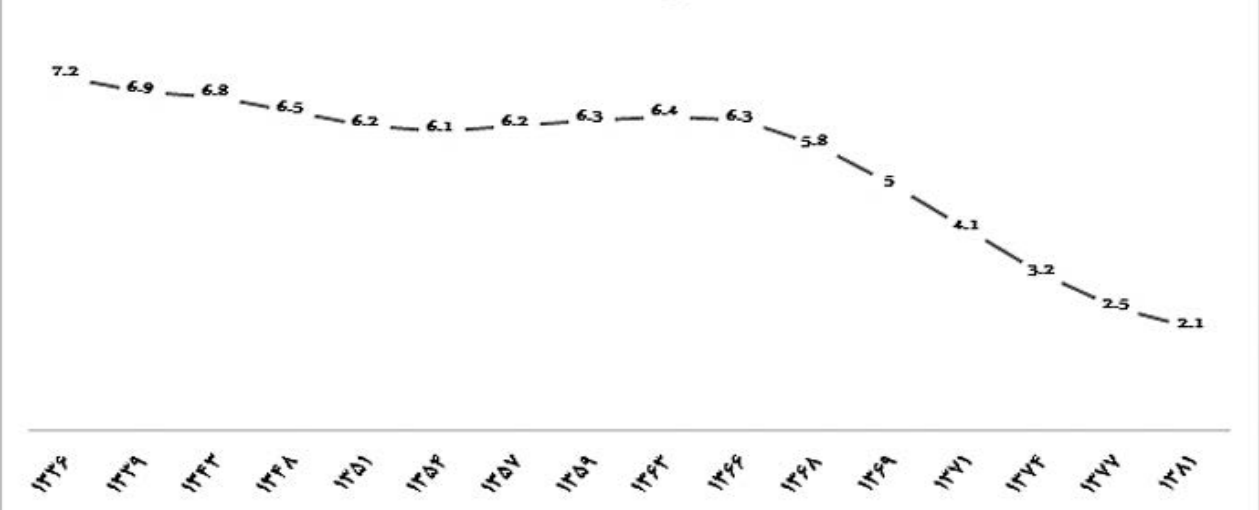
۷- برخی کشورهای اروپایی مانند فرانسه، انگلیس و آلمان هزینه مهد کودک و حقوق مادران را به آنها پرداخت می‌کنند و از آنها می‌خواهند که در کنار فرزندانشان باشند و آنها را خودشان تربیت کنند. این حمایت‌های متعدد در حالی است که کشورهای با سطح پایین اقتصادی مانند افغانستان تأمین اقصاد جامعه به باتوان تحمیل می‌شود.

۸- نکته مهم دیگر نیاز کودکان و نوجوانان به آغوش گرم مادر است. ممکن است تعداد زیادی کودک تنها با یک معلم به تحصیل خود ادامه دهند اما هر کودکی نیاز میرم به یک مادر دارد. به بیان دیگر اگر زنان تا ساعت زیادی در ادارات باشند ضربه روحی و روانی به کودکان وارد می‌شود، بنابراین با قاطعیت می‌توان گفت زنان باید در خارج از منزل کار نکنند و مؤسسات حمایتی بر خلاف مردان هیچ‌گونه وظیفه اقتصادی ندارند و در موارد ضروری همچون «زنان سرپرست خانوار» این دولت است که موظف است شرایط را به گونه‌ای فراهم سازد که مادر شاغل بتواند ساعات بیشتری را در کنار فرزندان خود طی کند. همچون کشورهای پیشرفته که با تأمین حقوق ویژه اقتصادی اختصاصی بانوان شاغل در حقیقت ساعات حضور بیشتر آنها در خانواده را پیش خرید می‌کنند تا از هزینه‌های کم‌رشدن «فروپاشی خانواده» جلوگیری کنند. سرکار خانم مولاردی! آیا اکنون دولت شرایط کافی و واقعی برای ۱۴ درصد زن شاغل صاحب خانواده با دغدغه کمتر و امنیت خانوادگی بیشتر را فراهم ساخته است که باقی زنان و دختران را به اشتغال دعوت می‌کند؟

درپایان متذکر می‌شود در صورت دوری جمعیت کثیری از بانوان از خانواده، افزایش نرخ باروری و رشد جمعیت محال است. لذا می‌توان دریافت که تحقق سیاست‌های کلی جمعیت با اصالت کانون خانواده کاملاً عجین است. به عبارت دیگر مهم‌ترین اصل جمعیتی «اصالت کانون خانواده» است.

بناوجه به شرایط جمعیتی کشور، توصیه می‌شود ضمن وحدت همه فعالین حوزه جمعیت بر محور سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغی از طرف مقام معظم رهبری تلاش شود فضایی کشور به سمتی رود که هرچه سریع‌تر مردم ایران عزیز، شاهد اقدامات عملی ملموس جهت تحقق سیاست‌های کلی جمعیت باشند. پذیرفته نیست که باوجود گذشت بیشتر از یک سال از ابلاغ سیاست‌های کلی جمعیت از طرف مقام معظم رهبری، باز هم مواضع مخالف برخی از مسئولین با تغییر جهت نظام ادامه دارد. در حالی که مردم و دلسوزان جامعه برای رهایی از وضعیت خطرناک جمعیتی کشور، به اقدامات همه جانبه و فوری مسئولین چشم‌امید دارند نه تنها تصمیمات جدی صورت نمی‌گیرد بلکه پیوسته خبر از حرکت برخی در مسیرهایی در تضاد با سیاست‌های کلی جمعیت به گوش می‌رسد.

نرخ باروری



بحران شهرهای پیر و خانواده‌های کوچک!

■ رضاجلالی راد

اقتصادی خانواده بر دوش آنها قرار گیرد و سپس دختران و بانوان جوان با شاغل شدن برای خود منبع درآمد مجزا داشته باشند. از سوسی دیگر باید توجه داشت که هر چند یک مرد تا ساعات پایانی شب هم می‌تواند کار انجام دهد اما حضور یک دختر جوان هم در عرصه کار و هم در عرصه خانواده، می‌تواند در مواردی تعادل زندگی مشترک را خصوصاً با توجه به فراهم نشدن شرایط ویژه حمایتی اشتغال زنان، بر هم زند. حضور دختران و زنان جوان در کانون خانواده در شرایط فعلی نه تنها به اقتصاد خانواده کمک می‌کند بلکه در این صورت دولت نیز هزینه کمتری را برای آسیب‌های روحی، روانی، طلاق، مشکلات فرزندان و یا طلاق‌های عاطفی می‌پردازد. (ب)یک زن جوان به جای ازدواج به فعالیت اقتصادی بپردازد:

باید توجه داشت که با افزایش سن ازدواج هم احتمال باروری ناسالم و جهش‌های ژنی بیشتر می‌شود هم احتمال ناباروری افزایش پیدا خواهد کرد که عملاً با این فرض تحقق سیاست‌های کلی جمعیت مشکل خواهد بود. ج) یک زن جوان پس از بارداری و مراقبت از کودک به کار اقتصادی مشغول شود: در این حالت با توجه به اینکه دوره باروری برای بانوان محدود است، در صورت وجود فاصله زیاد میان باروری اول و دوم جهت فعالیت‌های اقتصادی عملاً تعداد فرزندان به یک یا دو فرزند محدود خواهد شد. در حالی که طبق سیاست‌های کلی جمعیت هر خانواده باید سه

جمعیت آمده است: «اختصاص تسهیلات مناسب برای مادران بویژه در دوره بارداری و شیردهی و پوشش بیمه‌ای هزینه‌های زایمان و درمان ناباروری مردان و زنان و تقویت نهاده‌ها و مؤسسات حمایتی ذی‌ربط.» اما در کشورمان بعضاً مشاهده شده مسیر دیگری هم دنبال می‌شود.

طبق اظهارات خانم مولاردی طی یک سال و نیم گذشته ۲۷ هزار مادر به خاطر استفاده از قانون رخصتی زایمان از کار اخراج شده‌اند. در چنین شرایطی صحبت از وظایف بانوان در قبال اقتصاد جامعه به جای تأکید ویژه بر ضرورت حضور ایشان در کنار خانواده، آبی است که به آسیب کارفرمایان قانون شکن ریخته می‌شود.

۵- جایگاه اجتماعی زنان در فرهنگ ایرانی اسلامی بسیار بالاتر از مسائل اقتصادی است و صحبت از وظایف بانوان در قبال اقتصاد جامعه، ظلم به ایشان است. کسی که بهشت زیرپای او قرار دارد لزومی ندارد به گشتن در دنیا‌ی مادی

جهت فعالیت اقتصادی سوق داده شود.

۶- افزایش مشارکت اقتصادی زنان جوان سه حالت دارد: الف) زنان جوان همزمان به خانواده و فعالیت اقتصادی مشغول باشند. دراین حالت: از یک سو با توجه به شرایط بیکاری که در کشور وجود دارد ترویج اشتغال زنان جوان باعث بیکار شدن مردان و ظلم به خود آنان می‌گردد. لذا ناچارموس جامعه رهبری، هم‌اکنون تحقیر بانوان با را برای خانواده‌ها ایجاد می‌کند باید سعی شود در ابتدا اکثریت مردان صاحب شغل شوند تا بار

پرداخته شود اشتغال صحیح زنان است. باز هم تأکید می‌شود کسی مخالف کار کردن زنان نیست چرا که برخی مشاغل مختص زنان است و باید در اختیار آنها قرار گیرد.

باید تسهیلاتی در اختیار زنان قرار داده شود که بتوانند مدت زمان کمتری را در محل کار خود بگذرانند و بیشتر در کنار خانواده خود باشند. بدیهی است اگر این اجازه به زنان داده شود که زودتر بتوانند به خانه بروند فشار و استرس کمتری خواهند داشت. بانوان اگر تحت فشار زیاد باشند یا نباید فرزند داشته باشند یا اگر فرزند دارند خوا آنها دچار استرس و ناراحتی‌های روحی می‌شوند.

۲- باید کار کارشناسی انجام شود که چه نوع اشتغالی به نفع زنان و به گونه‌ای است که با روحیات آنها هماهنگ می‌باشد تا به سلامت روحی و روانی، زن، خانواده و کودک لطمه‌ای وارد نشود. این جزو حقوق زنان است و انکار این مسئله در حقیقت نوعی اعمال خشونت علیه زنان خواهد بود. ۳- بندهد سیاست‌های کلی جمعیت عبارت است از: «ترویج و نهادینه‌سازی سبک زندگی اسلامی– ایرانی و مقابله با ابعاد نامطلوب سبک زندگی غربی».

سوال مهمی که وجود دارد این است که در کدام آیه و روایت، اقتصاد جامعه بر دوش زنان نهاده شده است؟ و مگر نه اینکه مهم‌ترین بعد نامطلوب جامعه غربی، به صراحت بیان «ایرانی» هیچ کس با اشتغال بانوان مخالف نیست اما یکی از مهم‌ترین بحث‌هایی که باید به آن

۱- بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت تأکید می‌کند: «تحکیم بنیان و پایبندی خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره

جوان است.»

هشت نکته مهم:

۱- بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت تأکید می‌کند: «تحکیم بنیان و پایبندی خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره

جوان است.»

هشت نکته مهم:

۱- بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت تأکید می‌کند: «تحکیم بنیان و پایبندی خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره

جوان است.»

هشت نکته مهم:

۱- بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت تأکید می‌کند: «تحکیم بنیان و پایبندی خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره

جوان است.»

هشت نکته مهم:

۱- بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت تأکید می‌کند: «تحکیم بنیان و پایبندی خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره

جوان است.»

هشت نکته مهم:

۱- بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت تأکید می‌کند: «تحکیم بنیان و پایبندی خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره

جوان است.»

هشت نکته مهم:

۱- بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت تأکید می‌کند: «تحکیم بنیان و پایبندی خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره

جوان است.»

هشت نکته مهم:

۱- بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت تأکید می‌کند: «تحکیم بنیان و پایبندی خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره

جوان است.»

هشت نکته مهم:

۱- بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت تأکید می‌کند: «تحکیم بنیان و پایبندی خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره

جوان است.»

هشت نکته مهم:

۱- بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت تأکید می‌کند: «تحکیم بنیان و پایبندی خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره

جوان است.»

هشت نکته مهم:

۱- بند ۴ سیاست‌های کلی جمعیت تأکید می‌کند: «تحکیم بنیان و پایبندی خانواده با اصلاح و تکمیل آموزش‌های عمومی درباره